

تاثیر انحلال مجلس در پیروزی کودتا

۲ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۳۶

در واقع دکتر مصدق به جای استفاده از ظرفیت‌های موجود در مجلس، از ابتدای به قدرت رسیدن خود به تضعیف و بی‌اهمیت جلوه دادن مجلس پرداخت و گفت هر جا که مردم هستند، مجلس همان جاست.

مجلس شورای ملی به عنوان نهاد قانونگذاری از دستاوردهای مهم انقلاب مشروطه بود. با بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی ایران پس از تشکیل مجلس می‌توان پی‌برد که نقش مجلس در این تحولات بسیار پررنگ و موثر بوده است.

پس از کودتای ۱۲۹۹ و روند قدرت‌گیری رضاخان اندک مقاومت‌هایی که توسط افرادی چون آیت‌الله مدرس علیه وی صورت می‌گرفت، در مجلس شورای ملی بود و در مواردی چون استعفای او در اثر اعتراض‌های نمایندگان مجلس چهارم و ناکام گذراندن جمهوری خواهی رضاخان برخی نمایندگان مجلس نقش موثر داشتند.

رضا خان نیز با استفاده از ظرفیت‌های موجود در مجلس و با تشکیل مجلس موسسان توانست سلسله قاجاریه را منقرض و سلسله پهلوی را تشکیل دهد.

پس از شهریور ۱۳۲۰ نیز زمانی که متفقین پس از اشغال ایران به دولت جهت نشر اسکناس فشار می‌آوردند مقاومت‌های مجلس سیزدهم موجب شد تا آنها و دولت قوام که آن زمان بر سر کار بود انحلال مجلس را مطرح کنند که به دلیل اوضاع موجود و تبعات آن منصرف شدند.

در فرایند قدرت‌گیری رضاخان، مجلس، نقش بی‌بدیل ایفا کرد. (۱)

نهضت ملی ایران نیز در پیدایش، عملکرد و شکست خود با مجلس در تعامل و ارتباط بود. شکل‌گیری نهضت ملی ایران به تشکیل جبهه ملی مرتبط است که در اعتراض به آزاد نبودن انتخابات مجلس شانزدهم پی‌ریزی شد.

ملی شدن نفت و طرح نخست‌وزیری مصدق نیز در مجلس شکل گرفت. نحوه تعامل دکتر مصدق با مجلس در شکست نهضت ملی نقش مهمی ایفا کرد. پس از استعفای مصدق و بازگشت او به نخست‌وزیری به همراه پست وزارت جنگ که حاصل قیام

سی تیر ۱۳۳۱ بود، وی از مجلس شورای ملی که به جای ۱۳۶ نماینده، ۷۹ یا ۸۰ نماینده بیش نداشت، اختیارات قانونگذاری گرفت تا امور مملکت را اداره کند. یکبار به مدت شش ماه و بلافاصله برای یکسال بعد، صورت مذاکرات مجلس شورای ملی حاکی از آن است که گرچه پیش از سی ام تیر ۱۳۳۱ نیز اختلافاتی بین مصدق و یارانش ظاهر شده بود ولی در سی ام تیر، همه یکدل و متفق مصدق را تایید کردند. اما همینکه موضوع اختیارات مطرح شد، یارانش یکی پی از دیگری از وی جدا شدند و در مساله فراندوم انحلال مجلس نیز چند تن دیگر گرچه با وی همکاری می کردند، با فراندوم مخالف بودند. ولی مصدق بدون توجه به مخالفت‌های یارانش از جمله دکتر صدیقی، دکتر شایگان، خلیل ملکی، دکتر سنجابی، حسیبی، معظمی، پارسا و... فراندوم را برگزار و مجلس هفدهم را منحل کرد.

عده ای از جمله دکتر صدیقی و دکتر سنجابی به وی گوشزد کرده بودند که شاه در غیاب مجلس شما را از نخست وزیری عزل می کند. اما مصدق پاسخ داده بود که شاه جراتش را ندارد. اظهار نظر افرادی که خطر عزل نخست وزیر را گوشزد کردند مبتنی بر سابقه تاریخی بود. احمد شاه در فاصله فترت بین مجلس سوم و چهارم، دوازده نفر را یکی پس از دیگری، شخصاً به نخست وزیری منصوب و سپس عزل کرده بود.

خلیل ملکی از یاران مصدق نیز در باره عوامل و علل شکست نهضت ملی پنج عنوان را ذکر می کند که یکی از آنها انحلال مجلس شورای ملی توسط مصدق است.

ملکی وقتی نتوانسته بود مصدق را متقاعد کند تا از انحلال مجلس چشم پوشی کند، این کلمات پیش گوینه را بر زبان رانده بود: «این راهی که شما می روید به جهنم است، ولی ما تا جهنم به دنبال شما خواهیم آمد».(۲)

مخالفت گسترده یاران مصدق و کسانی که علیرغم جدا شدن و اختلاف با مصدق از روی دلسوزی به مصدق هشدار دادند، نشان دهنده اشتباه بودن این تصمیم سیاسی بود. آیت الله کاشانی در نامه ای که ۲۷ مرداد، یعنی یک روز قبل از کودتا برای دکتر مصدق نوشت و وی را از وقوع کودتای قطعی مطلع کرد، دو اشتباه بزرگ مصدق را که بعداً امکانی برای کودتا شد، ذکر می کند که یکی از آنها انحلال مجلس بود. بی شک انحلال مجلس، یکی از اشتباهات مصدق بود. انحلال مجلس با شعارهای دموکراتیک مصدق و جبهه ملی سازگار نبود و آنها را نزد مردم، دیکتاتور معرفی می کرد. شاه نیز منتظر انحلال مجلس توسط مصدق بود تا بهانه ای برای سرنگونی داشته باشد، چنانکه در ملاقات با شوارتسکف گفته بود اگر مصدق فراندوم خود را به اجرا بگذارد و مجلس را منحل کند، آنگاه او خود بر طبق قانون اساسی برای برکناری مصدق و آوردن نخست وزیر مورد نظر خود اختیارات کاملی خواهد داشت.(۳)

انحلال مجلس نه تنها مصدق را از چشم آزادیخواهان انداخت، بلکه آینده را نیز از یک مجلس نیم بند محروم کرد. با اینکه کودتاچیان عمل مصدق را در انحلال مجلس، غیر قانونی اعلام کرده بودند، پس از به قدرت رسیدن حاضر نشدند همان مجلس را تجدید کنند، عمل مصدق را بهانه قرار دادند و مجدداً انتخاباتی برگزار کردند و افراد مورد نظر خود را به مجلس فرستادند تا

بتوانند مساله نفت را همان طوری که استعمارگران می خواهند به تصویب برسانند. در واقع دکتر مصدق به جای استفاده از ظرفیتهای موجود در مجلس، از ابتدای به قدرت رسیدن خود به تضعیف و بی اهمیت جلوه دادن مجلس پرداخت و گفت هر جا که مردم هستند، مجلس همانجاست. به این ترتیب با اتکای به افکار عمومی و حمایت غیر متشکل توده مردم قصد داشت تا برنامههای خود را عملی کند اما این اشتباه بزرگ از عوامل مهم سقوط وی و شکست نهضت ملی بود. در واقع وقتی علی زهری یکی از نمایندگان مجلس بر سر شکنجه ادعایی یکی از متهمان پرونده قتل افشار طوس، دولت را به تحریک مظفر بقایی استیضاح کرد، مصدق گرچه اهمیتی به موضوع استیضاح نمی داد ولی چنان وحشت کرده بود که مرتکب اشتباهی مهلک شد. او گمان می کرد همان اکثریت ضعیفی که مکی را برای عضویت هیئت نظارت بانک انتخاب کرده اند، مجدداً بسیج شده تا دولت را ساقط کنند. این محاسبات بسیار غلط بود چرا که فرستادن مکی به بانک و ساقط شدن دولت بر اثر استیضاح زهری اصلاً قابل مقایسه نبود و چنان که دکتر سنجابی به مصدق یادآور شده بود، اگر هواداران مصدق در مجلس از حساسیت وی در انتخاب مکی آگاه بودند، توان آن را داشتند که کس دیگری را انتخاب کنند علاوه بر آن در عمل نیز استعفای دو سوم نمایندگان مجلس بر اساس تقاضای مصدق نشان از همراه بودن مجلس با مصدق و نهضت ملی بود

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۷۸۹۴/تائیر-انجلاس-انجلاس-تائیر>